

آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها به دنبال پروژه دهکده امید هستند

پروژه دهکده امید هنوز به سرانجام نرسیده اما صادق زیباکلام می‌گوید: «همین طرح اولیه هم مورد توجه سفارت فرانسه و آلمان در تهران قرار گرفته است؛ چون روی الگوی توسعه پایدار و حفظ محیط زیست تکیه دارد، دلشان می‌خواهد ببینند و این پروژه را از نزدیک ببینند. یعنی همان موقع که من می‌رفتم به جاهای مختلف حساب پس می‌دادم سفارت آلمان و فرانسه از کار مادر یک روستای محروم تقدیر می‌کردند.»

گفت‌وگو با صادق زیباکلام که چند روز پیش برای توضیح حسابش از محل کمک‌های مردمی به اداره آگاهی احضار شد

من هم یک زلزله زده‌ام!



عکس: نسیم اعتمادی / شهر وند

به ناز مقدسی | ۲۱ آبان‌ماه سالگرد زلزله از گله کرمانشاه است زلزله ای که هنوز هم آثار خانه های ویران و مردم کانکس نشینش شهر به شهر و روستا به روستا پیدااست. با این حال همان موقع در کنار نهادهایی مثل هلال احمر چهره‌های سیاسی و ورزشی و سینمایی هم دست به کار شدند و با اعلام شماره حساب بانکی شان شروع به جمع آوری کمک‌های مردمی کردند. علی دایی، نیکی کریمی، نرگس کلباسی و صادق زیباکلام از پرطرفدارترین چهره‌هایی بودند که در عرض چند روز حساب‌هایشان به ارقام بالایی رسید. حالا با گذشت زمان و ایجاد

ابهام‌هایی در این زمینه تعدادی از آنها برای، توضیح و شفاف سازی به اداره آگاهی دعوت شده‌اند. صادق زیباکلام که روز چهارشنبه با اسناد و مدارک لازم ۴ ساعت در اداره آگاهی تهران پاسخگوی سوالات بود بعد از خروج از اداره آگاهی با «شهروند» گفت و گو کرد. او می‌گوید با شفاف‌سازی مشکلی ندارد اما این مسائل انرژی اش را برای کار کردن می‌گیرد. او می‌گوید به خاطر علاقه اش به کردها و اعتمادی که مردم به او کرده اند تلاش می‌کند تا با همه فشارها و انتقادها پروژه دهکده امید را به سرانجام برساند.

شما یکی از کسانی بودید که سال گذشته و در جریان زلزله کرمانشاه شمار حساب اعلام کردید و کمک‌های مردمی تا مرز ۳میلیارد تومان به حساب تان واریز شد. حدود یک ماه دیگر سالگرد زلزله کرمانشاه است و برخی به دنبال این پرسش هستند که آقای زیباکلام با پول‌ها چه کار کرد؟

ما روستایی سراب ذهاب قادری را انتخاب کردیم و نام پروژه را هم دهکده امید گذاشتیم. دلش هم این است که این روستا مرکزیت دارد و روستاهای اطراف آن هم می‌توانند از امکاناتی که در این منطقه ساخته می‌شود، استفاده کنند. در سراب ذهاب قادری پروژه‌هایی تعریف شده است که با معیارهای توسعه پایدار مطابقت دارد؛ مثل تصفیه آب، آبیاری قطر‌ای، تأمین برق خورشیدی و ایجاد ساختمانی به نام خانه روستایی برای کلاس‌های آموزشی و فرهنگی؛ اما واقعیت این است تا زمانی که کار ساخت‌وساز خانه‌ها تمام نشود، نمی‌توانیم پروژه دهکده امید را به صورت کامل اجرایی کنیم.

تا الان چقدر از این ۳ و نیم میلیارد را خرج کردید؟
 ببینید به طور دقیق تا الان ۳۰۰ میلیون تومان بهره به ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان تعلق گرفته و به ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسیده است. ما تا به الان ۸۰۰ میلیون تومان برای همان تری‌دی پنل‌ها و پنجره‌های دوجداره هزینه کردیم و حدود ۱۰۰ دستگاه کانکس هم خریده‌ایم. بنابراین ما همچنان ۳ میلیارد در حساب‌مان داریم که قرار است آن را هم صرف تصفیه خانه، خانه روستایی و مزرعه خورشیدی کنیم.

یعنی شما هر ماه سود پول را هم به مبلغ اصلی کمک‌های مردمی اضافه می‌کنید؟
 بله؛ من در اداره آگاهی هم همه اسناد و مدارک بانکی هر ماه را جداگانه و با احتساب سود حساب کردم و به آنها نشان دادم.

با خبرهایی که در خصوص احضار شما برای رفع ابهام از حساب کمک‌های مردمی منتشر شده است، پیش نیامده کسانی که به حساب تان پول واریز کرده‌اند، به شما اعتراض کنند؟

ببینید خیلی‌ها اعتراض می‌کنند که چرا کانکس نخردی یا چرا با پول‌ها خانه نساخته‌ای؛ اما واقعیت این است که اگر می‌خواستیم با این پول خانه بسازیم، در بهترین حالت می‌توانستیم ۱۰۰ دستگاه خانه بسازیم؛ اعتراض از کسانی می‌کنند که یک ریال پول نداده‌اند

و متأسفانه فقط به خاطر مسائل سیاسی به من اعتراض می‌کنند؛ یعنی ۲ گروه در رأس معترضان هستند یک گروه براندازان و سلطنت‌طلبان و یک گروه هم تندروها هستند.

چرا پروژه شما نمی‌تواند در گوشه‌ای از روستا کار خودش را انجام دهد؟ منظورم این است که مثلاً تصفیه خانه یا خانه روستایی را بسازید.

ما الان می‌خواهیم تصفیه خانه را بسازیم و همین فردا هم می‌توانیم کارمان را شروع کنیم؛ اما طبیعتاً قبل از آن باید نخاله‌هایی که در روستا است، جمع شود و محل دقیق خانه‌ها مشخص باشد تا کانال‌های پلاستیکی به سمت خانه‌ها کشیده شود یا مثلاً در خصوص خانه روستایی الان در محل ساخت این ساختمان هنوز کانکس وجود دارد و چون هنوز خانه‌ها به طور کامل ساخته نشده، مردم همچنان در کانکس زندگی می‌کنند. بنابراین چطور می‌توان در این شرایط کار را شروع کرد؟! با این حال ما کارهای مقدماتی و نقشه‌برداری‌ها را انجام داده‌ایم و منتظر اتمام ساخت‌وساز خانه‌ها هستیم تا کارمان را به طور کامل استارت بزنیم.

در آخرین بازدیدی که در همین مهرماه از روستای سراب ذهاب قادری داشتید تا چه حد کار پروژه دهکده امید پیش رفته است؟
 ببینید اولاً کار تیم ما در دهکده امید ساخت خانه‌ها نیست و در واقع ساخت تمام خانه‌ها بر عهده بنیاد مسکن است. کاری که ما داریم انجام می‌دهیم ساخت تصفیه خانه، ساختمانی برای کلاس‌های آموزشی، بازسازی مدرسه، ساخت درمانگاه و آموزش به مردم در خصوص محیط زیست‌شان است و اینکه چطور پس‌ماندها را می‌توانند به کود تبدیل کنند.

بنابراین فکر می‌کنم تا آخر مهر ماه حدود ۱۵، ۲۰ خانه که بعضی یا خود روستاییان می‌سازند یا پیمانکار بنیاد مسکن آماده می‌شود. با این حال ما در ساخت خانه‌ها هم با بنیاد مسکن همکاری کردیم و برای اینکه برای ساخت سقف خانه‌ها از بتن و سیمان استفاده نشود ما از تکنولوژی «تری‌دی پنل» استفاده کردیم؛ ضمن اینکه پنجره خانه‌ها را دو جداره کردیم. این تکنولوژی دو مزیت دارد یکی اینکه از بتن و سیمان سبک‌تر است و اگر خدای نکرده زلزله بیاورد، تلفات خیلی کمتر خواهد بود؛ چون کسی زیر آوار نمی‌ماند و دو اینکه به خاطر استفاده از فوم در برابر سرما و گرما مثل یک عایق عمل می‌کند.

بستن کمربند می‌تواند خطر مرگ و میر را در سرنشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.

مخالف شفاف سازی نیستم

حساب اعلام کردم و خودم به همراه دخترانم لیلا و سارا راهی مناطق زلزله‌زده شدیم. در مناطق زلزله‌زده وقت چک کردن حسابم را نداشتم و آخر شب از خستگی خوابم برده بود که دخترم لیلا مرا از خواب بیدار کرد؛ بغض کرده بود و من ترسیده بودم و پرسیدم چه اتفاقی افتاده؟ گفت بابا شماره حسابی که برای کمک‌های مردمی اعلام کردی بعد از ۴۸ ساعت از یک میلیارد درد شده و بعد بغضش ترکید و گفت می‌ترسم این اعتمادی که مردم به شما کردند به هر دلیلی خراب شود، بنابراین به غیر از احترام به کردها به خاطر اشک‌های دخترم هم به تالشام ادامه می‌دهم.

اما چند وقت پیش در یکی از مصاحبه‌های تان گفته بودید که نذر کرده‌اید حسابتان را مسدود کنند. بله، این جمله را هم به رسانه‌ها گفتم و هم در فضای مجازی نوشتم و هم در جریان بازپرسی در دادستانی به بازپرس گفتم، یعنی در برگه‌های بازپرسی‌ام کتباً نوشتم برای اینکه دادستانی حسابم را توقیف کند یک گوسفند نذر کرده‌ام. بعد گفتند چرا نذر کرده‌اید؟ خوب به مردم بگویید دیگر به حسابتان پول نریزند و خودتان حساب را ببندید و این پول را هم به ستاد بحران کرمانشاه بدهید. اما من گفتم به خاطر امیدمی که در مردم کرمانشاه به وجود آمده نمی‌توانم خودم و با دست خودم این امید را از بین ببرم. گوسفند را برای این نذر کردم که این زلزله در زندگی خودم هم آمده است! چون حواشی‌ای که ایجاد می‌کنند خیلی انرژی‌ام را می‌گیرد.

مردم خود این روستا چه نظری دارند؟ منظورم این است این حجم از انتقاداتی که عده‌ای از منتقدان تان به پروژه شما دارند در مناطق زلزله‌زده و بین زلزله‌زدگان کرمانشاه هم مطرح می‌شود یا اینکه آنها رضایت دارند؟

مردم زلزله‌زده کرمانشاه یک اعتراضی به من دارند که البته اعتراض‌شان هم کاملاً درست است. اعتراض آنها این است که این ۳ و نیم میلیارد برای همه ۲۰۰ هزار نفر زلزله‌زده بوده و باید این پول را به صورت عادلانه بین همه آنها توزیع می‌کردیم. ولی الان این پول را فقط در یک روستا هزینه می‌کنیم. ببینید! این موضوع از نظر فلسفه اخلاق و عدالت کاملاً حرف درستی است، اما اگر می‌خواستیم این ۳ میلیارد را بین ۲۰۰ هزار نفر تقسیم کنیم یا مثلاً کانکس بخیریم حداکثر ۳۰۰ تا کانکس می‌شد؛ بنابراین ما تصمیم گرفتیم که در روستایی که مرکزیت دارد پروژه‌های ماندگار بسازیم تا مردم برای همیشه از آن استفاده کنند.

اگر پول را تقسیم می‌کردیم به هر نفر یک شانه تخم مرغ می‌رسید

فقر در روستاها، ساکنانش را مجبور به حاشیه‌نشینی کنیم، با وجود همه مشکلاتی که حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ به همراه دارد. هدف ما این بود که نشان دهیم روستا می‌تواند با فقر عجین نباشد و حداقل امیدوی را در مناطق روستایی ایجاد کنیم تا جوانان این روستا و روستاهای اطرافش به سرریل ذهاب،



پروژه دهکده امید تصمیم شخصی خودتان بود یا محصول همفکری؟

روزهای اولی که کمک‌های مردمی به حسابم واریز شدو راهی مناطق زلزله‌زده شدم، تصمیم داشتم با این پول کانکس و تخم مرغ و لوازم بهداشتی بخرم. دهکده امید محصول فکری طرفداران

محیط زیست در کرمانشاه و سندج و ۱۵ نفر از چهره‌ها و شخصیت‌های همان منطقه ام از نمایندگان مجلس، اساتید دانشگاه، نویسندگان، معتمدین و امام جمعه‌های کردستان بود، بنابراین این پروژه تصمیم یک خرد جمعی بود.

چرا بیشتر چهره‌هایی که مثل شما کمک‌های مردمی را جمع آوری کردند، این پول را صرف بازسازی در مناطق روستایی می‌کنند، در حالی که قاعدتاً در زلزله سال گذشته خیلی از خانه‌ها و امکانات مردم شهرستان سرریل ذهاب هم تخریب شد و از بین رفت.

ببینید روستای سراب ذهاب قادری مثل تمام روستاهای دیگر کرمانشاه و کردستان مولد فقر است. می‌دانید بچه‌های‌شان وقتی بزرگ می‌شوند چه کار می‌کنند؟! من به شما می‌گویم چه کار می‌کنند؛ آنها وقتی ۱۸، ۱۷ سالشان می‌شود یا به سرریل ذهاب می‌روند تا کار کنند یا به کرج، تهران و اصفهان کوچ می‌کنند. عده‌ای هم نهایتاً به سوئد و آلمان و دانمارک می‌روند و پنهانند می‌شوند؛ بنابراین تا کی می‌خواهیم به دلیل

بهمه سختی‌ها، امیدها، فرازاها و فرودهایی که در این مدت به دلیل ورود به بحث جمع آوری کمک‌های مردمی در زلزله کرمانشاه تجربه کرده‌اید، می‌خواهیم بدانیم اگر زمانی در یک منطقه دیگر از کشور حادثه تلخی رخ دهد باز هم برای این کار یا پیش می‌گذارید و شماره حساب اعلام می‌کنید؟
 نمی‌دانم؛ ولی فکر می‌کنم اشک‌های دخترم و احترام و عشق و علاقه‌ای که به کردها دارم، باز از راه برده‌ام کند.